

An Analysis of the Causes and Contexts of Egypt's Unsuccessful Democratic Transition in Light of the Arab Uprising*



Khosro Aram¹ 

Alireza Rezaei² 

Ghasem Torabi³ 

1. PhD Candidate, Department of Political Science, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

Email: Khosroaram.40@gmail.com;

2. Associate Professor, Department of International Relations, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran (corresponding author).

Email: IR.Alirezarezaei@gmail.com

3. Associate Professor, Department of International Relations, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

Email:Ghasemtoraby@yahoo.com

Abstract

Before the onset of the popular uprisings in the Arab world, Egypt was among the stable countries of North Africa. However, it was not long before popular unrest spread to this nation as well. This study aims to explore the theoretical literature and investigate the nature and reasons behind these developments in Egypt, specifically examining the causes and contexts of the country's unsuccessful democratic transition. The main research question is: what factors led to Egypt's unsuccessful democratic transition in light of the Arab Spring? The hypothesis tested in response to this question posits that the failed democratic transition in Egypt resulted from conditions and factors such as the relative weakness

* Aram, Kh.; Rezaei, A. ; Torabi, Gh. (2023). An Analysis of the Causes and Contexts of Egypt's Unsuccessful Democratic Transition in Light of the Arab Uprising. *Journal of Political Science*, 27(105), pp. 204-228. <https://doi.org/10.22081/PSQ.2024.65177.2748>

 **Publisher:** Baqir al-Olum University, Qom Iran.

*** Type of article:** Research Article

 **Received:** 2023/11/24 •  **Revised:** 2024/01/15 •  **Accepted:** 2024/01/25 •  **Published online:** 2024/03/25

© The Authors



of modernization variables—especially per capita income and a fragile middle class—the absence of a political community in Egypt, a lack of elite reconciliation, the role and behavior of the military, and the status of the community in Egypt. Employing a descriptive-analytical method, the article collects data through documents and establishes logical connections among the data, subsequently extracting causal relationships between phenomena. The final data analysis is founded on the theory of transition to democracy, which encompasses various sub-theories that clarify their analytical outputs. The conclusion drawn is that whether in Egypt or in all societies that experience an unsuccessful transition to democracy, such a failure leads to a period of disillusionment regarding the attainment of democracy. Additionally, the internal contexts contributing to this unsuccessful transition are significantly more important than external factors, and when assessing the failures in transitioning to democracy, prioritizing internal variables is essential.

Keywords

Egypt, Arab Spring, Democracy, Arab Uprising, Elites.



بررسی علل و زمینه‌های گذار ناموفق دموکراتیک

در مصر در پرتو خیزش عربی*

خسرو آرام^۱ ID، علیرضا رضایی^۲ ID، قاسم ترابی^۳ ID

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

Khosroaram.40@gmail.com

۲. دانشیار، گروه روابط بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول).

IR.Alirezazaei@gmail.com

۳. دانشیار، گروه روابط بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

Ghasemtoraby@yahoo.com



چکیده

تا پیش از شروع خیزش مردمی در جهان عرب، مصر در زمره آن دسته از کشورهای شمال آفریقا بود که ثبات داشت؛ ولی به اندک‌زمانی خیزش مردمی به این کشور نیز راه یافت. دغدغه این پژوهش آن است که ضمن پرداختن به ادبیات نظری و همچنین واکاوی چیستی و چرایی این تحولات در مصر، علل و زمینه‌های گذار ناموفق دموکراتیک در مصر را بررسی کند. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که در پرتو تحولات بهار عربی، چه دلایلی سبب گذار ناموفق دموکراتیک در مصر گردید؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مورد آزمون قرار گرفت آن است که گذار ناموفق دموکراتیک در مصر معلول شرایط و عواملی همچون ضعف نسبی متغیرهای نوسازی به‌ویژه درآمد سرانه و طبقه متوسط نحیف، نبود جامعه سیاسی در مصر و نبود مصالحه‌نخبگان و نقش و رفتار ارتش و وضعیت پراتوری جامعه مصر بوده است. مقاله به روش توصیفی - تحلیلی، به گردآوری داده‌ها از طریق اسنادی و ارتباط

* **استناد به این مقاله:** آرام، خسرو؛ رضایی، علیرضا؛ ترابی، قاسم. (۱۴۰۳). بررسی علل و زمینه‌های گذار ناموفق

دموکراتیک در مصر در پرتو خیزش عربی. علوم سیاسی، ۲۷(۱۰۵)، صص ۲۰۴-۲۲۸.

<https://Doi.org/10.22081/PSQ.2024.65177.2748>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم، ایران؛ © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۱/۰۶



منطقی داده‌ها می‌پردازد و سپس روابط علی معلولی میان پدیده‌ها استخراج می‌شود. تحلیل نهایی داده‌ها نظریه بنیان است و بر اساس نظریه «گذار به دموکراسی» صورت می‌گیرد. این نظریه، زیرنظریه‌های مختلفی دارد که با شرح هر یک خروجی‌های تحلیلی آنها مشخص می‌شود. نتیجه اینکه چه در مصر و چه در همه جوامعی که گذر ناموفق به دموکراسی را تجربه می‌کنند، این گذر ناموفق سبب می‌شود که وارد دوران ناامیدی از دستیابی به دموکراسی بشوند؛ همچنین این زمینه‌های داخلی در گذار ناموفق به دموکراسی بسیار مهم‌تر از زمینه‌های بیرونی است و در هنگام بررسی ناکامی گذار به دموکراسی، توجه به متغیرهای داخلی می‌بایست در اولویت قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها

مصر، بهار عربی، دموکراسی، خیزش عربی، نخبگان.

مقدمه

تحركات عليه حكومت‌های عربی از اوایل قرن جدید آغاز شد؛ ولی اوج آن در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۱م. بود که به «بهار عربی» شهرت یافت. مردم در کشورهای مصر، سوریه، تونس و لیبی به خیابان‌ها ریختند و حاکمان دیکتاتور را به چالش طلبیدند و خواستار عدالت و برابری شدند. در پی تحولات موسوم به بهار عربی، چهار حکومت عربی تونس، مصر، لیبی و یمن سرنگون شدند و یک حکومت عربی، یعنی سوریه دستخوش جنگ داخلی گشت.

شروع خیزش عربی با خودسوزی (محمد بوعزیزی) میوه‌فروش دوره‌گرد تونس در اعتراض به ممانعت و آزار پلیس در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰م. در شهر کوچک «سیدی بوزید» به منزله چکاندن ماشه‌ای برای فعال کردن سازوکار یک جنبش عمومی بود که هیچ‌کس از جمله سیاست‌مداران و تحلیل‌گران مسائل خاورمیانه، اعم از محافل دانشگاهی و همچنین روزنامه‌نگاران انتظار آن را نداشتند. در واقع تظاهراتی که در پی خودسوزی بوعزیزی رخ داد، بی‌درنگ پس از سرنگونی زین‌العابدین بن علی در تونس در ژانویه ۲۰۱۱م. به سراسر جهان عرب و به طور مشخص به کشورهای عربی شمال آفریقا و خاورمیانه مانند مصر، مراکش، لیبی، سودان، موریتانی، اردن، کویت، عراق، لبنان، یمن، عربستان سعودی، عمان، بحرین و سوریه تسری یافت و این کشورها را دستخوش ناآرامی و بی‌ثباتی کرد و نویدبخش این پیام شد که بالاخره نسیم تغییر در خاورمیانه هم وزیدن گرفته است.

از منظر علت‌شناسی، وقوع تحولات انقلابی در موارد زیر ریشه دارد: نوع نظام سیاسی اقتدارگرا و غیردموکراتیک، اوضاع نامساعد اقتصادی، اوضاع نامساعد اجتماعی مانند نرخ بالای رشد جمعیت، نسبت بالای جوانان به کل جمعیت، شکاف‌های اجتماعی، تبعیض و فساد، اوضاع نامساعد فرهنگی مانند سرشت سلسله‌مراتبی قدرت و حاکمیت فرهنگ پدرسالار و گسترش فرهنگ نئوپاتریمونیالیسم و نظام سلطانی و سرانجام برقرار نیروی اجبار همچون نیروهای نظامی و انتظامی در برابر مخالفان و تأثیر مشروعیت خارجی و فضای بین‌المللی. آنچه در این میان سبب سرعت قیام‌های عربی